

بسم الله الرحمن الرحيم

سخنرانی در پردیسان ۱۳۹۷/۱۱/۱۲

موضوع: «رابطه‌ی مهدویت و انقلاب اسلامی»

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله
و الصلاة على محمد رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقية الله و اللعن الدائم على اعدائهم
اعداء الله إلى يوم لقاء الله، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ.

ایام شهادت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) را به پیشگاه مقدس بقیه الله الاعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) و همه علاقمندان به اهل بیت عصمت و طهارت تعزیت عرض می‌کنیم و از طرفی هم چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران است، این ایام را هم به محضر مقدس مولایمان بقیه الله الاعظم و تمام منتظران قدومش و حکومتش تبریک عرض می‌کنیم و خدا را به آبروی صدیقه طاهره (سلام الله علیها) قسم می‌دهیم که ما را از یاران خاص آن بزرگوار قرار بدهد و به ما توفیق دهد به تعبیر «امام راحل» از این نظام مقدس محافظت و پاسداری کنیم تا به دست مبارک حضرت ولیعصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) برسانیم و ان شاء الله این حکومت را زمینه ساز حکومت آن بزرگوار قرار بدهیم.

موضوع بحثی را که دوستان پیشنهاد نمودند در مورد رابطه‌ی مهدویت و انقلاب اسلامی است، من ناگزیرم چند نکته را قبلاً اشاره کنم و بعد ببینیم حوادثی که قبل از پیروزی انقلاب و بعد از آن اتفاق افتاده می‌تواند علقه و ارتباطی ان شاء الله با حکومت جهانی حضرت ولیعصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) داشته باشد یا خیر!

نکته‌ی اول این است که اهداف انبیاء در دو جمله خلاصه می‌شود:

۱- اقامه قسط و عدل و رفع جور و ظلم! یکی از اساسی‌ترین هدف، شعار و برنامه‌ی هر پیغمبری که مبعوث شده اقامه عدل است، قرآن هم به صراحت می‌فرماید:

(لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ)

ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند.

سوره حدید (۵۷): آیه ۲۵

حالا این‌که چرا ناس مرفوع است و منصوب نشده یک بحث جدایی دارد ما نمی‌خواهیم وارد آن بحث بشویم. خلاصه سخن این است که انبیاء در جامعه کاری می‌کنند که مردم به خودی خود به عدالت عمل کنند، و اقامه عدل کنند **(يُقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ)**.

نکته‌ی دوم: اهداف انبیاء جهانی کردن دین الهی است، از حضرت آدم علی نبینا و آله و علیه السلام گرفته تا نبی مکرم هر یک از پیامبران به نوبه خودشان مقدمات و زمینه‌هایی را فراهم کرده‌اند تا دین الهی یک دین جهان‌شمول بشود و وقتی که نوبت به نبی مکرم هم می‌رسد قرآن دارد:

(يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ)

آنان می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش سازند؛ ولی خدا نور خود را کامل می‌کند!

سوره صف (۶۱): آیه ۸

بعد روایتی که از آقا امام صادق (سلام الله علیه) در رابطه با **(وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ)** است عرض خواهم کرد.

(هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ)

او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد.

برای چه؟

(لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ)

تا او را بر همه ادیان غالب سازد، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند!

سوره صف (۶۱): آیه ۹

یا دارد:

(... لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا)

... تا آن را بر همه ادیان پیروز کند؛ و کافی است که خدا گواه این موضوع باشد!

سوره فتح (۲۸): آیه ۲۸

پس یکی از اهداف انبیاء (علیهم السلام) بویژه نبی مکرم جهانی کردن دین الهی است که باید در سراسر جهان یک دین و یک آیین دیده شود و یک خدا مورد پرستش بگیرد، و یک شریعت در سراسر کره زمین مورد تقدس و مورد عمل قرار گیرد.

قضیه جهان شمول بودن دین و اقامه عدل و رفع ظلم از روز ازل برای قد و قواره یک نفر بریده شده است و تمام انبیاء حتی نبی مکرم مقدمات آن را فراهم ساخته‌اند و آن یک نفر وجود مقدس مهدی آل محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) است.

یعنی حکمت الهی بر این تعلق گرفته که در میان ۱۲۴ هزار پیامبر الهی و ده‌ها و صدها هزار اوصیاء انبیاء:

«فَمَا مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا وَلَهُ وَصِيٌّ»

الخزاز القمي الرازي، علي بن محمد بن علي _متوفاي ٤٠٠ ق_، كفاية الأثر في النص على الأئمة الاثني

عشر، ص ١٣، تحقيق: السيد عبد اللطيف الحسيني الكوه كمرى الخوئي، ناشر: بيدار - قم، ١٤٠١هـ .

روایات متعدد، قریب به متواتر در منابع شیعه و در منابع اهل سنت آمده است. اثبات الوصیه مسعودی اصلاً هدف از تألیف کتابش این است که اثبات کند:

«مَا مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا وَلَهُ وَصِيٌّ»

از میان این همه انبیاء و اوصیاء فقط به یک نفر حکمت الهی تعلق گرفته اقامه عدل به معنای واقعی و رفع ظلم در تمام قسمت‌های مختلف و در تمام زوایا و جهان شمول بودن دین به معنای واقعی کلمه توسط آن در این عالم هستی صورت بگیرد و آن هم آقا ولیعصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) است.

این سخن ما، سخنی است که در منابع اهل سنت شاید بیش از سی نفر از بزرگان و مفسران نامی اهل سنت، افزون بر روایاتی که از نبی مکرم نقل کرده‌اند در تفسیر آیات قرآن هم به این قضیه اشاره کرده‌اند و با صراحت مسأله را روشن کرده‌اند.

در آیه ۳۳ سوره توبه و ۹ سوره صف خدای متعال می‌فرماید:

(يُظْهِرُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ)

تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند

یکی از مفسران نامی اهل سنت «قرطبی» متوفای ۵۷۱ است. تفسیرش، عصاره‌ی تفسیر شش قرن اول صدر اسلام است. خود علمای اهل سنت برای تفسیر «قرطبی» بعد از تفسیر «ابن کثیر» تقریباً اعتناء ویژه‌ای دارند «ابن کثیر» متوفای ۷۷۴ است و قرطبی نزدیک به دویست و اندی سال، مقدم بر «ابن کثیر» است.

قرطبی در تفسیرش جلد ۱۰ در ذیل آیه

(لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ)

تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند

سوره توبه (۹): آیه ۳۳

از قول مفسر نامی عصر صحابه آقای «سُدّی» می‌گویند این که دین اسلام بر تمام ادیان پیروز شود فقط در کره زمین، یک دین آن هم به نام اسلام شناخته شود

«ذاك عند خروج المهدي»

زمان قیام حضرت مهدی (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) است

الجامع لأحكام القرآن ، اسم المؤلف: أبو عبد الله محمد بن أحمد الأنصاري القرطبي الوفاة: ۶۷۱ ، دار

النشر: دار الشعب - القاهرة، ج ۸، ص ۱۲۱

البته تعابیر دیگری مانند:

«عند نزول عيسى عليه»

که دارد تمام این‌ها «عباراتنا شتی و حُسْنُكَ واحداً» است، نزول حضرت عیسی طبق روایات متواتر اهل سنت است که حضرت عیسی:

«المهدي الذي ينزل عليه عيسى بن مريم ويصلي خلفه عيسى عليهما

السلام.»

المروزي، نعيم بن حماد أبو عبد الله (متوفى ۲۸۸هـ)، كتاب الفتن، تحقيق وتقديم: الدكتور سهيل زكار،
ناشر: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع - بيروت، سال چاپ: ۱۴۱۴هـ.

این هم جزئی از مسائل قطعیه روایات اهل سنت است.

«ابن جوزی» متوفای ۵۹۷ است، حدود ۵۰ سال بعد از «قرطبی» است در حقیقت می‌شود گفت «ابن جوزی» جزء امام المشککین و امام المترددین است. وقتی یک مسئله را می‌آورد، تلاش می‌کند وجوه مختلف برای یک تفسیر بیان کند، غیر از «فخر رازی» من ندیدم کسی مثل «ابن جوزی» این طور اقوال مختلف و احتمالات متعدد را در یک آیه بیان کند، ایشان هم در همین آیه در تفسیر «زاد المسیر» چند تا احتمال می‌دهد می‌گوید دومین احتمالی که در آیه است

(لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ)

تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند

سوره توبه (۹): آیه ۳۳

زمان حضرت مهدی (ارواحنا لترابه مقدمه الفداء) است «فخر رازی»، «ابو حیان اندلسی» و «ابو حفص» در «اللباب» به همین شکل مطرح کرده‌اند و همچنین «آلوسی» سلفی متوفای ۱۲۷۰ در تفسیرش، در این رابطه می‌گوید:

«(ویکون الدین کله لله) ... وسیتحقق مضمونها إذا ظهر المهدي»

مضمون این آیات آن زمانی تحقق پیدا می‌کند که حضرت مهدی ظهور کند.

« فإنه لا يبقى على ظهر الأرض مشرك أصلاً »

با ظهور حضرت مهدی مشرکی در کره زمین پیدا نمی‌شود.

روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني ، اسم المؤلف: العلامة أبي الفضل شهاب الدين السيد محمود الألوسي البغدادي الوفاة: ١٢٧٠هـ ، دار النشر : دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج ٩، ص

٢٠٧

«ثعلبي» غير از «ثعالبي» است «ثعالبي» را يك مقدار ضعيف می‌شمزند ولی «ثعلبي» متوفای ٤٢٧ را تا حدودی آقایان قبول دارند ایشان هم در تفسیرش، جلد ٣ تفسیرش همین تعبیر را دارد:

«حتى ينزل فيه (المهدي) فيكون حكماً قسطاً ويظهر الإسلام على الدين كله»

الكشف والبيان (تفسير الثعلبي) ، اسم المؤلف: أبو إسحاق أحمد بن محمد بن إبراهيم الثعلبي النيسابوري الوفاة: ٤٢٧ هـ - ١٠٣٥م ، دار النشر : دار إحياء التراث العربي - بيروت - لبنان - ١٤٢٢هـ - ٢٠٠٢م ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : الإمام أبي محمد بن عاشور ، مراجعة وتدقيق الأستاذ نظير الساعدي،

ج ٣، ص ٣٥٣

پس جهان شمول بودن دین و این‌که اسلام در جهان به عنوان یک دین واحد به حساب بیاید و غیر از دین اسلام هیچ دین دیگری رسمیت نداشته باشد، فقط در زمان حضرت مهدی (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) است این از کتاب‌های اهل سنت بود. در کتب شیعه الی ماشاء الله در ذیل آیه شریفه ٣٣ سوره توبه و آیه ٩ سوره صف، امام صادق (سلام الله علیه) می‌فرماید:

«وَاللَّهِ مَا نَزَلَ تَأْوِيلُهَا بَعْدُ»

هنوز تأویل این آیه نازل نشده است

«وَلَا يَنْزِلُ تَأْوِيلُهَا حَتَّىٰ يَخْرُجَ الْقَائِمُ (عليه السلام) فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ (عليه السلام) لَمْ يَبْقَ كَافِرٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ»

وقتی که حضرت مهدی (اروحناه لتراب مقدمه الفداء) تشریف می‌آورد تفسیر این آیه برای جهانیان روشن می‌شود

ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، ۲ جلد، اسلامیه - تهران، چاپ: دوم، ۱۳۹۵ق، ج ۲؛ ص ۶۷۰

با آمدن حضرت ولیعصر دیگر کافر به خدا و مشرک به امام در کره زمین پیدا نمی‌شود؛ یعنی امامت در انحصار اهل بیت عصمت و طهارت است وحدانیت فقط از طریق اسلام تحقق پیدا می‌کند.

«علی ابن ابراهیم» در تفسیرش دو روایت نقل می‌کند که مراد از این آیه نزول حضرت ولیعصر است. مرحوم «کلینی» متوفای ۳۲۹ است، ایشان نکته ظریفی دارد از عزیزان تقاضا دارم یک مقداری دقت کنند، ایشان هم در ذیل:

(وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ)

گر چه کافران را ناخوش افتد نور خود را کامل خواهد گردانید.

سوره صف (۶۱): آیه ۸

هم نسبت به:

(هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَىٰ الدِّينِ كُلِّهِ)

اوست کسی که فرستاده خود را با هدایت و آیین درست روانه کرد تا آن را بر هر چه دین است فائق گرداند.

سوره صف (۶۱): آیه ۹

می‌گوید:

«هُوَ الَّذِي أَمَرَ رَسُولَهُ بِالْوَلَايَةِ لِيُوصِيَهُ»

نبی مکرم، ولایت را برای وصی‌اش به امر الهی انجام داد.

«وَ الْوَلَايَةُ هِيَ دِينُ الْحَقِّ»

مراد از ولایت، همان دین حق است.

«لِيُظْهِرَهُ عَلَىٰ الدِّينِ كُلِّهِ؛ يُظْهِرُهُ عَلَىٰ جَمِيعِ الْأَدْيَانِ عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ»

تحقق یک دین در کره زمین فقط زمان قیام و ظهور حضرت ولیعصر انجام می‌شود.

«وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ، وَ لَايَةُ الْقَائِمِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ بِوَلَايَةِ عَلِيٍّ»

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (ط - الإسلامية)، ۸ جلد، دار الکتب الإسلامية - تهران،

چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق، ج ۱؛ ص ۴۳۲

این هم تعبیری است که مرحوم «کلینی» در «کافی» دارد.

همچنین در ذیل آیه شریفه:

(وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ)

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند وعده داده است که حتما آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد.

سوره نور (۲۴): آیه ۵۵

می‌گوید:

«نزلت في المهدي و أصحابه»

الطوسي، الشيخ ابوجعفر، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفای ۴۶۰هـ)، کتاب الغيبة، ص ۱۷۷، تحقیق الشيخ عباد الله الطهراني / الشيخ علی احمد ناصح، ناشر: مؤسسة المعارف الاسلامية، الطبعة الأولى، ۱۴۱۱هـ.

که متأسفانه برزگان اهل سنت، این آیه را یکی از قوی‌ترین ادله بر صحت خلافت خلفاء آورده‌اند! و اولین کسی که مفصل در این زمینه قلم فرسایی کرده «قاضی عبدالجبار معتزلی» متوفای ۴۱۵ در کتاب «المغنی فی الامامه» است ایشان از اساتیدش از «ابو هاشم جبائی» و پدرش «ابو علی جبائی» وقتی مطالبی را نقل می‌کند می‌گوید یکی از دلیل ما بر خلافت ابوبکر این است، این‌ها:

(لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ)

قطعا آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد

ولی این که آیا:

(وَلَيَمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا)

دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت؛ و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند.

سوره نور (۲۴): آیه ۵۵

چه شد؟ در این جا آقایان، قلم‌شان لغزیده، دیگر جمله‌ای ندارند!

شکی نیست

(وَلَيَبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا)

و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند.

سوره نور (۲۴): آیه ۵۵

روایاتی که در منابع اهل سنت هم آمده که با ظهور حضرت ولیعصر (ارواحنا له الفداء) هیچ ظلمی در کره زمین، یافت نمی‌شود به طوری که نسل‌هایی که در زمان حکومت حضرت مهدی به دنیا می‌آیند «لا یعرفون ظلماً»؛ اصلاً نمی‌دانند ظلم، چه صیغه‌ای است؟ از مفهوم ظلم سر در نمی‌آورند مثل یک بچه سه چهار ساله که اگر شما از او در رابطه با مسائل جنسی چیزی بپرسی اصلاً چیزی نمی‌فهمد که چه است؟ با مفهوم این‌طور قضایا آشنایی ندارد!

می‌فرماید در زمان حکومت حضرت مهدی، افرادی که به دنیا می‌آیند نسل‌های دوم و سوم و بعدی «لا یعرفون ظلماً»؛ اصلاً نمی‌فهمند ظلم چه است؟ چون غیر از عدل، چیز دیگری نمی‌بینند، و غیر از عدلیت چیز دیگری نمی‌بینند.

یک زنی از شرق تا غرب مسافرت می‌کند بدون آن‌که کوچک‌ترین احساس نا امنی بکند.

همچنین مرحوم «شیخ طوسی» در این زمینه مطلب دارد.

مرحوم «قمی» (رضوان الله تعالی علیه) در ذیل آیه:

(وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ)

و در حقیقت در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد

سوره انبیاء (۲۱): آیه ۱۰۵

مطلبی در این زمینه دارد.

روایات متعددی ما در منابع شیعه و سنی داریم مبنی بر این‌که تحقق یک دین و یک آیین و یک شریعت فقط

در زمان حضرت مهدی (ارواحنا فداه) محقق خواهد شد و بس!

نکته سوم: ما در روایات داریم که در میان زمان‌ها از زمان حضرت آدم، ابراهیم، موسی، عیسی و رسول اکرم

افضل مردمان عصرها، مردمانی هستند که در زمان غیبت حضرت مهدی (ارواحنا فداه) زندگی می‌کنند.

در این زمینه هم سخن خیلی زیاد است که چرا مردمان زمان غیبت صغری، افضل از مردمان زمان رسول اکرم

هستند؟ چون آن‌ها پیغمبر را دیدند معجزاتی مشاهده کردند کراماتی دیدند ائمه را مشاهده کردند معجزات و

کراماتی دیدند و ایمان آوردند؛ ولی در زمان غیبت، مردم نه پیغمبر و نه معصوم و نه حجت را دیدند، مردم از

سینه به سینه و از لابلای اوراق و صفحات کتاب‌ها به خدا و پیغمبر و ائمه ایمان آورده‌اند.

در روایتی آقا امام سجاد (سلام الله علیه) می‌فرماید:

« یا ابا خالد »

« ابا خالد کابلی » از اصحاب خاص امام سجاد است.

« إن أهل زمان غيبته القائلين بإمامته والمنتظرين لظهوره »

کسانی که در زمان غیبت حضرت مهدی، زندگی می‌کنند و معتقد به امامت او هستند و منتظر حکومت

او هستند

« أفضل من أهل كل زمان »

افضل از عهد همه زمان‌ها است حتی زمان رسول اکرم است.

« حضرت امام » در وصیت نامه‌اش تعبیری دارد که مردم ایران و مردم عصر ما، قطعاً از مردمان زمان پیغمبر

متدین‌تر و با فضیلت‌تر هستند!

در هر صورت...

بعد حضرت مطالبی را مطرح می‌کند می‌گوید:

« أولئك المُخلصون حقا »

کمال الدین و تمام النعمة - الشيخ الصدوق - ص ۳۲۰

نه مُخلصون! بین مُخلص و مُخلص تفاوت بین زمین تا آسمان است. مخلص کسی است که اعمالش خالص

برای خدا است. مخلص کسی است که اخلاصش و وجودش هم برای خدا است، چیزی غیر از خدا نمی‌بیند.

به دریا بنگرم دریا تو بینم * * به صحرا بنگرم صحرا تو بینم

به هر جا بنگرم کوه و در و دشت * * نشان از صنع زیبای تو بینم.

یا شعر دیگر که می‌گوید:

مردان خدا پرده پندار دریدند* * یعنی همه جا غیر خدا هیچ ندیدند

خدا «آیت‌الله شاه آبادی» استاد بزرگوار ما ، استاد زاده «امام» را بیامرزد، ما هشت سال در محضر آقا زاده‌ی ایشان بودیم غیر از «فقه و اصول» هم «خارج فلسفه» و هم «خارج عرفان» خدمت‌شان بودیم ایشان تکیه کلامش این عبارت امیر المؤمنین (سلام الله علیه) بود:

«ما رأیت شیئا الا و رأیت الله قبله و بعده و فیه و معه»

این‌ها حقا «مخلصون» و شیعیان صادق ما هستند و دعوت کنندگان به دین الهی هستند.

نکته چهارم : زمینه سازان قیام جهانی حضرت ولیعصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) آن‌چه که در روایات ما هست مردمان مشرق زمین هستند که در رابطه با حضرت «سلمان» فضائل زیادی هم نقل می‌شود که اگر علم، در ثریا باشد، یا دیانت در ثریا باشد هم کشوری‌ها و هم محلی‌های «سلمان» یعنی مردم «ایران» به آن‌جا دسترسی خواهند یافت.

مرحوم «اربلی» متوفای ۶۹۲ در «کشف الغمه» از نبی مکرم دارد:

«يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُوطِنُونَ لِلْمَهْدِيِّ يَعْنِي سُلْطَانَهُ»

مردانی از مشرق زمین قیام می‌کنند و زمینه ظهور ولیعصر را فراهم می‌کنند

بعد می‌گوید:

«هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ رَوَتْهُ الثَّقَاتُ وَ الْأَثْبَاتُ»

اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة)، ۲ جلد، بنی هاشمی - تبریز، چاپ:

اول، ۱۳۸۱ق، ج ۲؛ ص ۴۷۷

«علامه مجلسی» هم در «بحار» جلد ۵۱، صفحه ۸۷ همین تعبیر را آورده است.

حالا به فرمایشات حضرت «امام راحل (قدس الله نفسه الزکیه)» بپردازیم. چند تعبیر از ایشان هست. با توجه به این مقدماتی که آوردیم و هدف نهایی که این بزرگوار در طول این مدت با تحمل زحمات و زجرها، زندان‌ها، تبعیدها مخصوصاً دوران تبعید ایشان به «ترکیه» در حقیقت سخت‌ترین دوران زندگی امام بود که به او اجازه پوشیدن لباس روحانیت را ندادند.

در شرح حال ایشان است که می‌فرمایند تمام مشکلات، برای من قابل حل بود؛ ولی این‌که من نمی‌توانستم لباس روحانیت بپوشم این برای من قابل هضم نبود، خیلی برایم درد آور بود زجر می‌کشیدم با همه این‌ها تعبیرشان این است ما همه انتظار فرج داریم و باید در این انتظار خدمت کنیم، انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام، در عالم تحقق پیدا کند.

همان فرمایش رسول اکرم که می‌فرماید:

«يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُؤَطُّونَ لِلْمَهْدِيِّ يَعْني سُلْطَانَهُ»

«صحیفه نور» جلد ۱۸، ص ۳۷۴؛ و در جلد ۱۵، صفحه ۲۶۲ دارد: ان شاء الله اسلام را آن‌طور است که در این مملکت پیاده کنیم و مسلمین جهان نیز اسلام را در ممالک خودشان پیاده کنند و دنیا، دنیای اسلام باشد یعنی همان تعبیر قرآن که:

(لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ)

تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند

سوره توبه (۹): آیه ۳۳

این مورد نظر امام است و کمتر از این، ایشان حاضر نیست رضایت بدهد. در ادامه دارد: و زور و ظلم و جور از دنیا برطرف شود؛ یعنی همان اهدافی که انبیاء داشتند و این مقدمه برای ظهور حضرت ولیعصر (ارواحنا فداه) باشد. بازهم در «صحیفه نور» جلد ۲۱، صفحه ۳۲۷ دارد: انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت (اروحنا فداه) است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد.

همین طور در جلد ۲۱، صفحه ۳۴۵ دارد: ما با خواست خدا، دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می‌شکنیم و با صدور انقلاب‌مان که در حقیقت صدور اسلام راستین و بیان احکام محمدی (صلی الله علیه وآله وسلم) است به سیطره و سلطه و ظلم جهان خواران خاتمه می‌دهیم - دقت کنید - به یاری خدا راه را برای ظهور منجی، مصلح کل و امامت مطلق حق امام زمان، هموار می‌کنیم.

این نکته را من شاید چندین بار از آیت‌الله «خزعلی» که شاهد قضیه بود شنیدم، یک دفعه هم در ذهنم نیست مقام معظم رهبری یا آقای «هاشمی» در خطبه‌های نماز جمعه «تهران» نقل کرد، حاج آقای «خزعلی» برای من نقل کرد گفت ما در «مدرسه علوی» که سکونت موقت امام، بعد از آمدن از «پاریس» در آنجا بود «مدرسه علوی» محل سکونت امام و جمله انقلابیون شده بود!

شب ۲۲ بهمن، دولت اطلاعیه داد و به ارتش دستور داد هر کسی بیرون آمد مرد و زن، کوچک و بزرگ را قتل عام بکنید؛ یعنی تندترین بیانیه دولت بود. امام، همان شب بیانیه داد و گفت از تمام مردم می‌خواهم از کوچک و بزرگ، مرد و زن، پیر و جوان فردا به خیابان‌ها بریزند.

می‌گفت ما هر چه به امام اصرار کردیم که آقا، این موجب کشته شدن هزاران و صدها هزار می‌شود این‌ها دیوانه هستند، امام گوش نکرد گفت آقای «طالقانی» با ما بود امام طبقه بالا بود ما طبقه همکف. تلفن را گرفت اصرار آیت‌الله «طالقانی» به امام که آقا شما از این بیانیه صرف نظر کنید و به صلاح نیست، امام اصرار داشت نه، سخن همین است که من می‌گویم.

می‌گفت هر چه آقای «طالقانی» اصرار می‌کرد از آن طرف انعطافی مشاهده نمی‌شد، یک موقع دیدیم تلفن از دست آقای «طالقانی» افتاد شروع به گریه کرد می‌گوید ما تصور کردیم که امام یک جمله تندی به آقای «طالقانی» گفت و ایشان متأثر شد، بعد از این که آقای «طالقانی» حال‌شان سر جا آمد گفتیم آیا امام عصبانی شد و با شما تندی کرد؟

گفت نه! من هر چه اصرار می‌کردم امام از اعلامیه‌ی خود مبنی بر به خیابان آمدن مردم، برگردد استنکاف می‌کرد، در آخر امام به من گفت آقای «طالقانی» اگر این دستور از جای دیگر باشد؛ یعنی از ناحیه حضرت ولیعصر هم باشد شما باز هم اصرار می‌کنید؟! دیگر بس کن نگذار من همه چیز را بگویم! می‌گفت وقتی این جمله را امام گفت من فهمیدم نه! ما ظاهر قضایا را می‌بینیم پشت صحنه چیزهای دیگری است.

عجیب هم بود وقتی «هویدا» و غیره را محاکمه می‌کردند گفتند ما تصمیم داشتیم روز ۲۲ بهمن، مردم را قتل عام کنیم و مدرسه «علوی» را هم بمباران کنیم تا مسئله تمام بشود صبح که بلند شدیم دیدیم تمام مردم به خیابان‌ها ریختند مرد، زن، کوچک، بزرگ حتی دیدیم بعضی از پیرمردها یا بعضی از کسانی که توان حرکت ندارند، جلوی خانه‌شان آمدند یک پارچه‌ای، تشکی انداختند همان جا دارند شعار می‌دهند! می‌گفت این اطلاعیه امام، تمام ما را غافلگیر کرد دیدیم هیچ کاری نمی‌توانیم بکنیم در یک عمل انجام شده قرار گرفتیم که همه راه‌ها برای ما بسته شد!

در هر صورت ...

دوستان عزیز! من غالباً در بحث‌های حوزوی به رفقا می‌گویم، من کاری ندارم انقلابی باشیم غیر انقلابی باشیم بی‌تفاوت باشیم، اگر ما برای امنیت خودمان، امنیت زن و بچه‌مان هم فکر داشته باشیم، قدر این نظام و قدر رهبری و قدر این امنیت را باید بدانیم. من حدود ۴۰ روز «آمریکا» بودم خدا می‌داند افراد صبح که از خانه بیرون می‌رفتند می‌گفتند ما نمی‌دانیم آیا غروب سالم به خانه بر می‌گردیم، بچه‌هایمان برمی‌گردند یا نه در مغازه می‌رویم یک کسی می‌آید رگبار می‌بندد همه ما را از بین می‌برد!

در «آمریکا» که مهد تمدن و آزادی و دموکراسی به قول خودشان هست. در کشورهای اروپایی هم بودم. «هند» و «پاکستان» حسابش جدا است آن‌ها از ما بدتر هستند این‌ها وقتی صبح از خانه بیرون می‌روند خدا می‌داند نمی‌دانند که آیا غروب به خانه برمی‌گردند یا نه؟ یعنی دلهره و آشفتگی اعصاب و روان بر توده مردم حاکم است.

تنها کشوری که امنیتی دارد و انسان اطمینان دارد که بیرون می‌رود یا به مسافرت می‌رود داخل کشور و خارج کشور می‌رود زن و بچه‌اش در امنیت هستند، ایران است. من از شما عزیزان و خواهران هم خیلی عذر می‌خواهم من با یکی از آقایان یک بحثی در رابطه با مسائل انقلاب و غیره داشتم یک مقداری نسبت به قضیه مدافعین حرم تعریض داشت.

رفقای عزیز! مدافعین حرم مخصوصاً شهدای «فاطمیون» و «زینبیون» «افغانستان» و «پاکستان» حق بزرگی به گردن ما دارند. خدا می‌داند اگر آن روزی که ما نمی‌توانستیم از «ایران» یک سرباز به «سوریه» اعزام کنیم، اگر این عزیزان «افغانی» و «پاکستانی» ما نبودند به تعبیر مقام معظم رهبری ما باید با «داعش» در «کردستان» یا در «همدان» می‌جنگیدیم!

در «ایران» هم بالاترین شهدا را «قم» داده است. ما در «قم» ۵۰۰ تا شهید «فاطمیون» داریم، نه در «تهران» نه در «مشهد» در هیچ شهری این همه شهید «فاطمیون» نداریم؛ ولی متأسفانه اطلاع دقیق دارم این خانواده‌ها حالا این‌که چه مسائلی است، مصلحت نیست که از پرده برون افتد راز از نظر معیشت و از نظر مسائل رفاه در یک جمله بگویم مورد بی‌مهری قرار گرفته‌اند.

ما دیشب به دیدن یکی از خانواده‌های شهدای «فاطمیون» رفتیم پدر و مادر ۵۵- ۶۰ ساله هستند که تنها پسرشان که یک فرزند داشته‌اند رفته در «سوریه» و شهید شده و خودش پوکی استخوان دارد از پله افتاده پایش شکسته و کسی نیست حال آن‌ها را بپرسد و کسی نیست بگوید شما چه مشکلی دارید؟

از نظر مسکن این بندگان خدا، در زیر فشار هستند، درست است همه ما با توجه به قضایای گرانی و مسکن، مشکل داریم؛ ولی این‌ها غیر از قضیه مسکن، غربتی که این‌جا دارند کم مهری‌هایی که از ما «ایرانی»‌ها می‌بینند واژه فلانی «افغانی» است بچه‌های‌شان با بچه‌های ما بازی می‌کنند این بچه «افغانی» است! می‌دانید چقدر درد برای این‌ها است؟ چقدر زجر می‌کشند!!

یکی از توفیقاتی که امسال خدای عالم به من داده توانستیم برای نزدیک به ۱۵ نفر از این‌ها مسکن تهیه کنیم، از همین دوستانی که خارج از «ایران» به ما محبت دارند ما یک ریال هم از «ایرانی»‌ها تا به حال نگرفتیم اگر بیاورند ما چیزی نمی‌گوییم الحمد لله رب العالمین ما روز میلاد حضرت زینب (سلام الله علیها) این ده - دوازده خانواده را اسکان دادیم و این‌ها یک نفس راحتی کشیدند من دیروز با یکی از مراجع که دیدار داشتم گفتم یکی از توفیقاتی که خدا به ما داده توانستیم برای ده دوازده خانواده شهید داده مسکن تهیه کنیم. آن هم شهید مدافع حرم به تعبیر رهبری این‌ها از دیگر شهدا هم فضیلت بیشتری دارند. ولذا من از عزیزان تقاضا می‌کنم آن‌هایی که دست‌شان به جایی می‌رسد و امکانات در اختیارشان است به عنوان «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» به این خانواده‌ها توجه داشته باشند.

نکته دیگری هم خدمت شما عرض کنم یکی از توفیقاتی که خدا به بنده داده این است که بیش از دوپست و سی جلسه بحث و مناظره در خاک «عربستان» داشتم که در سه جلد کتاب به اسم «قصة الحوار الهادي» جمع شده است و در اینترنت هم هست. یکی از جلساتی که من در «بیت الله الحرام» طبقه بالا در بالای پشت بام داشتم، حدود ۸ تا از دانشجویان دانشگاه «ام القری» که مسئول امنیت «بیت الله الحرام» بودند حضور داشتند ضبط هم کردم، همان زمان هم فردا یا پس فردایش با آیت الله «ری شهری» دیداری داشتم به ایشان گفتم و مکتوب هم خدمت ایشان تقدیم کردم. یکی از دانشجویان «وهابی» به من گفت که فلانی شما «ایرانی»ها به خودتان ببالید و افتخار کنید رهبری دارید می گوید «آمریکا» غلطی نمی تواند بکند، رهبران ما، برای نوکری «آمریکا» افتخار می کنند! این که بروند با سران «آمریکا» شراب بخورند به آن مباهات می کنند، فرق رهبران شما با ما این است!!

بعد یک جمله ای ایشان گفت آن ها در آن جا ما را به عنوان «ابو مهدی» می شناسند گفت آقای دکتر «ابو مهدی» من از شما تقاضا دارم اگر یک روزی آیت الله «خامنه ای» را دیدید از طرف ما دانشجویها دست ایشان را ببوسید و بگویید مشکل اساسی مردم «عربستان» مشکل رهبری و مشکل مسئولین رده بالای ما است، این ها آدم های ترسو و بز دلی هستند در برابر «آمریکا» حاضر هستند هر نوع ذلت را بپذیرند!

دوستان عزیز این جمله برای من خیلی عجیب بود یک دانشجوی وهابی، سلفی دانشجویان دانشگاه «ام القری» مثل دانشجویان «دانشگاه امام حسین» ما هستند، هر دانشجو را آن جا نمی پذیرند. دانشجویی که وهابی تمام عیار است و فارغ التحصیلان شان یا سفیر می شوند یا خطیب جمعه می شوند یا قاضی می شوند.

یعنی کل خروجی ها و فارغ التحصیلان شان این چنین هستند ما دو تا دانشگاه در «عربستان» داریم یکی در «ریاض» است، دانشگاه «امام محمد ابن سعود» یکی هم دانشگاه «ام القری» در «مکه» است که یک شعبه هم در «جده» دارد.

در هر صورت ...

دوستان عزیز ما قدر این نظام و قدر این امنیت را بدانیم و اگر این تدبیرها نبود، این مدیریتها نبود معلوم نبود خوابی که «آمریکا» برای ما با راه اندازی «داعش» دیده بود، (چگونه تعبیر می‌شد) الان سرنوشت ما چه بود؟ من یک روز برنامه زنده در شبکه «ولایت» داشتم یک آقای از «عراق» زنگ زد - الان که می‌خواهم نقل کنم خدا می‌داند جگرم کباب می‌شود - زنگ زد گفت فلانی من الان ۶ ماه است همسرم، دخترم، عروسم اسیر «داعش» شدند نمی‌دانم به سر ناموس من چه آمده؟ پشت تلفن شروع به گریه کردن کرد. خدا می‌داند الان هم که دارم عرض می‌کنم، حالم منقلب می‌شود که یک مردی ناموسش دست افرادی بیافتد و خبر از سرنوشت او نداشته باشد این‌ها همچنین خوابی برای ما دیده بودند، «عراق»، مقدمه بود هدف «ایران» بود. «سوریه»، مقدمه بود هدف «ایران» بود!

الان هم در «افغانستان» آمدند، تقریباً بیش از ۵۵ - ۵۷ درصد «افغانستان» در اختیار دولت نیست یا در اختیار «طالبان» است یا در اختیار «داعش» است، آمریکا دارد مرتب «داعش» را از «سوریه» به «افغانستان» منتقل می‌کند، و معلوم نیست در آینده از شرق کشور چه مصیبت‌ها و چه فتنه‌هایی برای ما دارند در سر می‌پروراند! امیدواریم که ان شاء الله عزیزان قدر این نعمت و قدر این نظام را بدانند و تلاش کنند که در رفع بعضی از نقائص اگر بحث انتقاد باشد، شاید ما از آقایان منتقدین بیشتر انتقاد داریم؛ ولی انتقاد کردن هنر نیست انتقادی هنر است که انسان راه حل نشان بدهد. انتقاد بدون راه حل انتقاد نیست تخریب و تضعیف است. تنها کشوری است در کره زمین، محرم و صفر صدای مظلومیت سید الشهداء از رسانه‌ها به سراسر جهان، اعلام می‌شود و تنها کشور اسلامی و کشور شیعی است که ایام فاطمیه‌اش با واژه شهادت حضرت زهرا در رسانه‌ها، در بیت مراجع در بیت رهبری به نحو احسن انجام می‌شود.

دست‌های ناپاکی از بیگانه و بعضی از خودی‌ها هست که بتوانند قضایای فاطمیه را کمرنگ کنند، یا از بین ببرند؛

خدا آیت‌الله «سید عبدالکریم کشمیری» را بیمارزد، همه ایشان را می‌شناختید ایشان از اوتاد بودند ما وقتی خدمت ایشان می‌رسیدیم می‌دیدیم تمام زندگی، گذشته و آینده‌مان کف دستش است من حدود ۱۳ سال با این بزرگوار بودم. این را همه شنیدید و آقای «هاشمی» هم در نماز جمعه «تهران» گفت که امام در خواب دیده بودند که از دنیا رفته‌اند و او را وارد قبر کردند و یک کلوخی پشت سر ایشان را اذیت می‌کند. ایشان تعبیر می‌کند من آخر عمرم است و حتی دستور داده بود که مهرشان را هم بسابند. قبلاً حاج آقا «مصطفی» آقازاده‌شان می‌گفت ما یک آقا سیدی داریم از آینده و غیب خبر می‌دهد اگر یک دیداری با ایشان داشته باشید خوب است. امام فرموده بود «مصطفی!» ما را با این درویش ارتباط نده! بگذار ما آخوندی‌مان را بکنیم وقتی امام، این خواب را می‌بیند، گفت ظهر بود وقتی حاج آقا «مصطفی» وارد می‌شود امام می‌گوید «مصطفی» این آقا سیدی که می‌گویی از غیب خبر می‌دهد از او سوال کن من چه خوابی دیدم و تعبیرش چه است؟

من این مطلب را هفت هشت بار از حاج آقای «خزعلی» شنیدم و عرض کردم در نماز جمعه «تهران» هم آقای «هاشمی» مفصل نقل کرد، در شرح حال امام هم به طور مفصل آمده من این را از زبان خود آقای «کشمیری» شخصاً شنیدم. حاج آقا «مصطفی» پیش حاج آقای «کشمیری» می‌رود می‌گوید پدرم گفت من چه خواب دیدم تعبیرش چه است؟

ایشان گفت: به پدرت سلام برسان بگو چنین خوابی دیدی و این‌طور تعبیر کردی، تعبیر شما هم اشتباه است! تعبیر درستش این است که شما به «ایران» می‌روید شاه را از «ایران» بیرون می‌کنید، خودتان سلطان می‌شوید. -آیت‌الله «خزعلی» می‌گفت یعنی شما ولی فقیه می‌شوید- وقتی به امام می‌گویند امام می‌گوید «مصطفی» این سید دیدن دارد برویم و او را ببینیم عبا را به دوش می‌اندازد به دیدن آقای کشمیری می‌رود. آقای «کشمیری» به من گفت فلانی بعد از آن هر روز نیم ساعت، چهل دقیقه با امام در صحن امیر المؤمنین با هم می‌نشستیم، یک روز امام به من گفت که آقای «کشمیری» من چهل سال است زیارت جامعه کبیره‌ام ترک نشده است من قضایای زیادی از ایشان دارم. سال ۶۰ وقتی شنیدم که آیت‌الله «کشمیری» از «نجف» به

«ایران» آمد، ما یکی از اساتید «حوزه علمیه نجف» را واسطه کردیم که خدمت ایشان برویم، ما ساعت ۸ صبح قرار داشتیم، موقع رفتن یکی از بنده زاده‌ها ۶ سالش بود گفت بابا من هم می‌آیم گفتم پسرم جایی که ما می‌رویم جای بچه نیست. یک مقداری اصرار کرد یک دادی به سرش کشیدم در را بستم، آمدم. این بزرگوار را خیابان صفائیه سوار ماشین کردم به سمت آبشار رفتیم ماشین را پارک کردیم و وارد منزل آقای «کشمیری» شدیم.

سلام که گفتم اولین جمله ایشان به من این بود، علیکم السلام ورحمة الله بچه چه گناهی کرده بر سرش داد می‌کشی؟! خدا می‌داند گویا آب یخی بر سر من ریختند، بعد شروع کرد با من صحبت کردن که شما در شغل این کار را می‌کنی این کارت درست است و این کارت نادرست است در آینده این قضایا پیش می‌آید دیدم این بزرگوار عجیب محیط و مسلط است همه تحت تأثیر قرار گرفتیم.

موقع برگشت به من گفت فلانی خواستی پیش من بیایی این شیخ را نیاور این شیخ از ما نیست! گفتم

(هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي)

این از فضل پروردگار من است

سوره نمل (۲۷): آیه ۴۰

من مدت‌ها هر روز ساعت ۳ بعد از ظهر خدمت ایشان می‌رفتم و در خدمت ایشان بودم، من مطالبی از ایشان شنیدم که در حوزه از این خبرها نیست. هذا من فضل الله تبارک وتعالی. به تعبیر مرحوم «شهید مطهری» بعضی از چیزها رفتنی و دیدنی است. خواندنی و شنیدنی نیست!

این مرد بزرگ، واقعاً یکی از تفضلات الهی بر ما بود؛ ولی متأسفانه در حوزه ما، قدر ایشان ناشناخته بود یک روزی به من گفت که آیت‌الله «بهجت» پیش من آمده بود به من گفت که آقای «کشمیری» اگر می‌خواهی سالم

بمانی کسی را در خانه‌ات راه نده. حتی من «بهجت» هم آمدم من را راه نده! ایشان اواخر عمر کتوم شده بود
هر کاری می‌کردیم دیگر چیزی اظهار نمی‌کرد

در هر صورت ...

ما یقین داریم این توطئه‌هایی که این‌ها می‌کنند، همه این توطئه‌ها نقش بر آب است دست عنایت صدیقه
طاهره ان شاء الله بالای سر ما هست و ما هم تلاش کنیم خدای نکرده در این امتحان رفوزه نشویم.

خدایا قسمت می‌دهیم به آبروی صدیقه طاهره، فرج مولایمان ولیعصر نزدیک بگردان.

خدایا به آبروی زهرا ما را از یاران خاص و سربازان فداکارش قرار بده.

خدا به آبروی زهرا این انقلاب ما را به انقلاب جهانی ولیعصر متصل بفرما.

خدایا توطئه‌ی توطئه‌گران را به خودشان برگردان.

خدایا آنان که به ما رحم نمی‌کنند غضب و نقمتمت را بر آنان نازل بگردان و شر آن‌ها را از سر ما کم و کوتاه
بگردان.

خدمتگزاران اسلام و قرآن و اهل بیت بالاخص مقام معظم رهبری به آبروی حضرت زهرا موفق و مؤید بدار.

خدا به آبروی حضرت زهرا رفع گرفتاری از همه گرفتاران بویژه عزیزان ما در «یمن» بفرما. ح

وائج همه حوائج جمع ما بر آورده نما، دعا‌های ما به اجابت برسان. هدیه به ارواح پاک انبیاء، اولیاء، شهداء،
صدیقین و صالحین بالاخص امام راحل صلواتی ختم بفرمایید.

والسلام علیکم ورحمة الله